[فضائل امیرالمؤمنین (منبر ده دقیقه ای)فضیلت سوم](http://www.ziaossalehin.ir/content/7182)

**اصل حدیث:**  
عمر میگوید : امیرالمومنین علیه السلام از من و از ابی بکر به خلافت، اولی و سزاوارتر بود.  
در روایتی از ابن عباس وارد شده است که:  
کنت أسیر مع عمر بن الخطاب فی لیله،و عمر علی بغل و انا علی فرس،فقرأ آیه فیها ذکر علی بن ابی طالب فقال:أما و الله یا بنی عبد المطلب لقد کان علی فیکم أولی بهذا الأمر منی و من أبی بکر ...(الی ان قال)و الله ما نقطع امرا دونه، و لا نعمل شیئا حتی نستأذنه.  
**سند حدیث:**  
راغب،المحاضرات، ج 7، ص. 213  
**داستان حدیث:**  
در یکی از شبها من و عمر بن خطاب سیر می کردیم (همسفر بودیم) و عمر بر قاطر و من بر اسب بودم، پس آیه ای قرائت شد که در آن آیه نام علی بن ابی طالب یاد آوری می شد. پس (عمر بن خطاب) گفت:  
آگاه باشید به خدا سوگند ای فرزندان عبد المطلب، به تحقیق که علی در میان شما سزاوارترین است به این امر (خلافت) از من و ابو بکر ...  
(تا آنکه گفت): به خدا سوگند هیچ کاری را بدون او تمام نمی کنم. و عملی بدون اجازه او انجام نمی دهم.  
**شیوه استدلال:**  
اولا: در این قضیه هیچ تردیدی نیست که در هر امری آن فردی که "اولی" و "سزاوارتر" است می تواند مسئولیت آن امر را به عهده بگیرد و آنگونه که شایسته و بایسته است از عهده برآید.  
ثانیا: اعتراف عمر نشان می دهد که به برتری امیرالمومنین علیه السلام بر خود و بر ابی بکر کاملا واقف و عالم بوده است. لذا از روی جهل و فراموشی یا خطا و... خود را مقدم نکرده، بلکه در عین  اینکه می دانسته امیرالمومنین علیه السلام "اولی" هستند و از روی علم به برتری ایشان خود را مقدم کرد.  
ثالثا: اما آنچه که اهمیت دارد این مطلب است که ابی بکر و عمر  خود را در چه امری مقدم کردند؟! آیا در امر جزئی و کوچکی که قابل عفو باشد؟! یا در امری که سرنوشت اسلام را تا قام قیامت مشخص خواهد کرد؟ آیا امر خلافت مساله ای بود که تقدیم و تأخیر افراد آن هم از روی علم چندان مهم نباشد؟!  
خلافت و امامتی که خداوند در مورد آن می فرماید:  
وَإِذِ ابْتَلَى إِبْرَاهِیمَ رَبُّهُ بِکَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّی جَاعِلُکَ لِلنَّاسِ إِمَامًا  
و خداوند متعال در جواب خلیل خود حضرت ابراهیم علیه السلام که عرض می کنند آیا از ذریه من هم امام خواهد بود، بدون هیچ تاملی پاسخ می فرماید:  
قَالَ وَمِن ذُرِّیَّتِی قَالَ لاَ یَنَالُ عَهْدِی الظَّالِمِینَ  
و همچنین امر تعیین خلافت را به خود نسبت می دهد که:  
وَإِذْ قَالَ رَبُّکَ لِلْمَلاَئِکَةِ إِنِّی جَاعِلٌ فِی الأَرْضِ خَلِیفَةً  
**نتیجه:**  
کسانی که خود را در امری که مستقیم مربوط به خداست که حتی پیامبری چون ابراهیم خلیل هم نمی تواند در آن دخالتی داشته باشد؛ مقدم می کنند و خود را به عنوان خلیفه رسول خدا می خوانند و سبب این همه اختلاف و گمراهی در امت می شوند، کافر هستند.